

فرهنگ ایرانی در فضای مجازی: تحلیلی مبتنی بر هوش مصنوعی و مدل هافستد

آتوسا رستم‌بیک تفرشی^۱

چکیده

پژوهش حاضر بر دو موضوع بسیار مهم در علوم انسانی متمرکز است؛ یکی فرهنگ که قدمتی به بلندای زندگی اجتماعی انسان دارد و دیگری هوش مصنوعی مولد که از مباحث مطرح پژوهشی امروز است. هدف پژوهش بررسی بازنمایی فرهنگ ایرانی در فضای مجازی با استفاده از هوش مصنوعی و شناسایی و تحلیل استعاره‌های فرهنگی ایرانی است. به این منظور، از چارچوب نظری زبان‌شناسی فرهنگی (شریفیان، ۲۰۱۷) و مدل شش‌بعدی هافستد (۲۰۱۰) استفاده شده است. داده پژوهش در دستیابی به استعاره فرهنگی از نوع کلان‌داده و شامل تمامی متون فارسی و انگلیسی دیجیتال شده مرتبط با فرهنگ ایرانی در دسترس در رایاسپهر است که توسط هوش مصنوعی تحلیل شده است. شناسایی استعاره فرهنگی ایرانی، استفاده از کلان‌داده و هوش مصنوعی و استفاده از مدل هافستد برای تحلیل استعاره فرهنگی ایرانی از نوآوری‌های پژوهش حاضر است. برای دستیابی به استعاره فرهنگی، پنج پرامیت (دستور) به زبان فارسی و انگلیسی برای برقراری ارتباط با هوش مصنوعی شامل چت جی‌پی‌تی-۴، جیمینای و کلاود ۲ طراحی و استفاده شد. پس از تحلیل و مقایسه پاسخ‌های ارائه‌شده این سه مدل هوش مصنوعی، فرش ایرانی، تعارف و شعر «بنی‌آدم» از سعدی به‌عنوان برجسته‌ترین استعاره‌های فرهنگی ایرانی شناسایی شدند. تحلیل این استعاره‌ها با استفاده از مدل هافستد نشان می‌دهد که در بین ایرانیان پذیرش فاصله قدرت، جمع‌گرایی و آینده‌نگری برجسته‌ترین ویژگی‌های فرهنگی به‌شمار می‌آیند.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ ایرانی، زبان‌شناسی فرهنگی، هوش مصنوعی، استعاره فرهنگی، مدل هافستد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

۱. دانشیار گروه زبان‌شناسی، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.
Atoosa.rostambeik@gmail.com

۱۳۸

ایران‌شناسی

مقدمه

زبان‌شناسی فرهنگی میان‌رشته‌جذیدی است که به رابطه‌ی بین مفهوم‌سازی فرهنگی و چگونگی درک جهان در گروه‌های مختلف اجتماعی می‌پردازد. شناسایی مقوله‌های فرهنگی، طرحواره‌ها و دستیابی به استعاره‌های فرهنگی از جمله مباحث اصلی مطرح در زبان‌شناسی فرهنگی هستند. طرحواره‌ی فرهنگی به الگوهای فکری و رفتاری مشترک اعضای یک جامعه اشاره دارد، طرحواره‌هایی مثل روابط خانوادگی، طرحواره‌ی ادب و احترام، و طرحواره‌ی شکسته‌نفسی از این نوع هستند. به عبارتی، فرهنگ تعیین‌کننده‌ی درک گروه‌های مختلف از قوانین، الگوها، رفتارها و نظام‌هاست؛ چارچوب‌هایی که ارزش، باور، نگرش و هنجار نامیده می‌شوند. این فرایندهای شناختی ساختار الگوهای اجتماعی ما را شکل می‌دهند. مقوله‌های فرهنگی تجارب هرروزه‌ی ما از جهان‌اند و مجموع دانش فرهنگی ما را شامل می‌شوند، مانند نگرش ایرانیان نسبت به سرنوشت یا طبیعت انسان. درنهایت، استعاره‌های فرهنگی به پدیده، نهاد یا فعالیتی مشترک بین اکثریت اعضای یک ملت اشاره دارند که چارچوب فرهنگ ملی آن جامعه را توصیف می‌کنند، مانند باغ ژاپنی یا محراب خانوادگی چینی. شناسایی استعاره‌های فرهنگی باید مبتنی بر حجم وسیع و متنوعی از داده باشد. از ابزارهای کارآمد در این حوزه مطالعاتی، می‌توان به پیکره‌های زبانی و تصویری دیجیتالی‌شده و کلان‌داده‌ها^۱ اشاره کرد. کلان‌داده، داده‌های بسیار بزرگ و پیچیده، متشکل از داده‌های ساختاریافته یا بدون ساختار است که رایانه‌های معمولی قدرت تحلیل آن را ندارند. رشد فناوری و توسعه‌ی زبان‌شناسی رایانشی امکانات پژوهشی جذیدی را فراهم آورده است. یکی از این امکانات، هوش مصنوعی مولد^۲ و بات‌های مکالمه مثل چت‌جی‌پی‌تی هستند که به سرعت در تمامی حوزه‌های فنی، پزشکی و علوم انسانی نفوذ کرده‌اند. هوش مصنوعی مولد نوعی از فناوری هوش مصنوعی است که می‌تواند انواع مختلفی از محتوا شامل متن، تصویر، صوت و داده‌ی مصنوعی^۳ تولید کند. پیشرفت سریع در حوزه‌ی مدل‌های زبانی بزرگ^۴ یعنی مدل‌هایی با میلیون‌ها یا تریلیون‌ها پارامتر، درها را به روی دوره‌ی جذیدی گشوده است که در آن هوش مصنوعی

1. Big data
2. Generative Artificial Intelligence
3. Synthetic data
4. Large language models (LLMs)

می‌تواند به نگارش متن‌هایی گیرا، کشیدن نقاشی‌های مشابه عکس و خلق داده‌های سرگرم‌کننده بپردازد (تارنمای تک‌تارگت^۱). حال، دنیایی را تصور کنید که هوش مصنوعی نه تنها به تحلیل داده‌ها می‌پردازد، بلکه بافتن فرش پیچیده فرهنگ انسان را نیز هدایت می‌کند. ابزارهای هوش مصنوعی، و در صف مقدم آنها چت جی‌پی‌تی، امروزه در جای جای زندگی روزمره ما حضور دارند. اما آنها چقدر می‌توانند تفاوت‌های ظریف فرهنگی را درک کنند که معرّف ما هستند؟ چت جی‌پی‌تی با داشتن بیش از ۱۰۰ میلیون کاربر در هفته (تارنمای کالچر فکتور^۲)، گواهی از در هم آمیختن سریع هوش مصنوعی با جامعه است. در چنین شرایطی انجام پژوهش‌هایی در حوزه درک فرهنگی ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی از جوامع مختلف از اهمیت بسیاری برخوردار است. دیجیتالی کردن داده‌های فرهنگی جوامع مختلف و فراهم آوردن آرشیوهای در دسترس می‌تواند به تصویری که هوش مصنوعی از جوامع ترسیم می‌کند، سندیت بیشتری بخشد. چه خواهیم و چه نخواهیم، هوش مصنوعی مولد به یکی از منابع دانش در دسترس دنیای دیجیتال امروز بدل شده است. امروزه کمتر کسی برای ترجمه، یا بررسی معنا و مفهوم یک عبارت به فرهنگ لغت مراجعه می‌کند. هوش مصنوعی تقریباً در تمامی حوزه‌های علم و هنر نفوذ کرده است و به سرعت به پیش می‌راند و پژوهشگران علوم انسانی نیز باید در این قطار سریع‌السیر جایی برای خود تدارک ببینند. در پژوهش حاضر، تلاش می‌شود عناصر برجسته فرهنگی و در نهایت استعاره(های) فرهنگ ایرانی با استفاده از پرامت‌های طراحی شده به زبان فارسی و انگلیسی و تحلیلی که چت‌بات‌های مبتنی بر هوش مصنوعی از کلان‌داده در دسترسش ارائه داده است، شناسایی و براساس مدل هافستد^۳ (۲۰۱۰) تحلیل شود. سه چت‌بات پرکاربرد با دسترسی آزاد شامل چت جی‌پی‌تی^۴، جمینای^۵ و کلاود^۶ به‌عنوان ابزار شناسایی استعاره فرهنگی ایرانی در فضای مجازی به کار گرفته شده‌اند. لازم به ذکر است، با اینکه این چت‌بات‌ها خود مولد دانش نیستند، در یک فرایند پرسش و پاسخ مورد استفاده قرار می‌گیرند و باتوجه به دسترسی وسیعی که به

1. Techtarget
2. Culture factor
3. Hofstede, G.
4. Chat GPT4
5. Gemini
6. Claud2

داده‌های دیجیتالی دارند، پاسخ‌هایی را ارائه می‌دهند که می‌توانند به بازتولید و تقویت یک گفتمان منجر شوند.

پیشینه پژوهش

در موضوع فرهنگ ایرانی، پژوهش‌های توصیفی و تطبیقی متعددی انجام شده‌اند که برخی مبتنی بر مدل هافستد بوده‌اند. در ادامه به مهم‌ترین نتایج این پژوهش‌ها در حوزه فرهنگ ایرانی اشاره می‌شود. صبوری^۱ و همکاران (۲۰۱۵) سه هویت ملی، مذهبی و غربی را به‌عنوان اجزای شکل‌دهنده هویت ایرانی معرفی می‌کنند که به سه فضای فرهنگی فارسی، اسلامی و غربی مرتبط هستند. هویت ایرانی ریشه در ایران باستان و قدمتی ۲۵۰۰ ساله دارد. هویت اسلامی به عهد صفویه و پیشنهاد دین اسلام شیعی به‌عنوان دین و مذهب اصلی کشور باز می‌گردد. هویت غربی نیز حاصل برخورد با نوگرایی غربی است. در هر یک از این هویت‌ها جنبه‌هایی از الگوی پیشنهادی هافستد برجسته‌تر است و گاهی در رقابت با هم قرار دارند. راجی (۱۳۹۷) نیز با ارجاع به پژوهش تطبیقی هافستد بین ۴۰ کشور دنیا به تحلیل فرهنگ ملی ایران پرداخته است. براین مبنای فرهنگ ایرانی به فاصله زیاد قدرت، جمع‌گرایی، زنانگی، اجتناب از عدم قطعیت زیاد، جهت‌گیری کوتاه‌مدت و خویشتن‌داری گرایش دارد. یعقوبی، گودرزی و صادقی (۱۴۰۱) در پژوهشی، با مصاحبه با ۳۰ نفر از متخصصان ایرانی حوزه فرهنگ، دو بعد ملی و ارزش دینی را برای فرهنگ ایران تعریف کرده‌اند. بعد ملی در این تعریف آداب و رسوم و سنن، موقعیت سرزمینی، مهمان‌نوازی و جذب گردشگر، تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، عناصر قومی و مذهبی، استکبارستیزی و کمک‌های بشردوستانه را در بر می‌گیرد. آنها بعد ارزش دینی را شامل شهادت‌طلبی، ایثار و روحیه بسیجی، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش، دفاع از نظام و ارزش‌های اسلامی، الگوی مردم‌سالاری دینی، ولایت فقیه، انتظار و منجی‌گرایی می‌دانند.

درخشان^۲ و همکاران (۲۰۲۲) در یک پژوهش بینارشته‌ای با موضوع رابطه معلم-دانشجو و تلاش دانشجویان در رسیدن به اهداف آموزشی در بافت زبان دوم، ۲۲۳ دانشجوی

ایرانی را با ۲۰۸ دانشجوی لهستانی مقایسه کرده‌اند. آنها در شرح بافت آموزشی ایرانی و لهستانی به هافستد (۲۰۰۱) ارجاع داده‌اند که بر مبنای آن فرهنگ ایرانی به‌طور غالب جمع‌گرا است، ساختار سلسله‌مراتب قدرت را می‌پذیرد، به هنجارها و باورهای ثابتی پایبند است و به سنت احترام می‌گذارد، چندان به اوقات فراغت اهمیت نمی‌دهد، و نیز فرهنگ ایرانی در مقایسه با فرهنگ لهستانی زنانه‌تر است. مرادی^۱ (۲۰۲۴) طی پژوهشی روی نمونه آماری ۴۰ دانشجوی کارشناسی رشته بازرگانی ایرانی و چینی، ابعاد فرهنگی ایران و چین را بر مبنای مدل چهاربعدی هافستد تحلیل کرده است. وی نتیجه‌گیری کرده است که ایرانیان در مقایسه با چینی‌ها پذیرش بیشتری نسبت به نابرابری قدرت دارند و هر دو کشور به‌طور قابل ملاحظه‌ای مردانه هستند، اما فاصله قدرت، ابهام‌گریزی و فردگرایی در دانشجویان ایرانی بیشتر از چینی است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، استعاره فرهنگی و تحلیل آن بر مبنای مدل هافستد، و استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزاری برای شناسایی استعاره فرهنگی از نوآوری‌های این پژوهش است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

۱. مبانی نظری

۱-۱ فرهنگ

بنابه تعریف لغتنامه دهخدا^۲ فرهنگ از پیشوند فر + هنگ از ریشه تنگ اوستایی به معنی کشیدن و فرهختن تشکیل شده است. هر دوی این بخش‌ها مطابق است با ادوکات و دوره در لاتینی که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است. فرهنگ عمید^۳ نیز فرهنگ را به علم و دانش، ادب و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت تعریف کرده است. معادل واژه فرهنگ در زبان انگلیسی culture است. معنای این واژه در فرهنگ لغت کمبریج به این شرح است: شیوه زندگی، به‌ویژه آداب و باورهای همگانی گروه خاصی از مردم در یک زمان معین. همچنین نگرش‌ها، رفتارها، عقاید و... گروه خاصی از مردم یک جامعه. فرهنگ ممکن است در معنای موسیقی، هنر، تأثیر،

1. Moradi, E.
2. <https://rhyming.ir/dakho>
3. <https://www.ashja.com/fa/amidonline/dictionary/>

ادبیات و... هم به کار رود^۱.

یکی از مهم‌ترین تعاریفی که از فرهنگ ارائه شده است، به ادوارد برنت تایلور^۲ (۱۸۷۳) مردم‌شناس مطرح قرن نوزدهم و بیستم باز می‌گردد. به باور او فرهنگ یا تمدن در مفهوم گسترده قوم‌نگاری آن یک کل پیچیده است که دانش، باور، اخلاق، قانون، آداب، و هر قابلیت و عادت اکتسابی انسان به‌عنوان عضوی از جامعه را در بر می‌گیرد. مطالعه فرهنگ می‌تواند ما را به قوانین حاکم بر تفکر و عمل انسان‌ها برساند (تایلور، ۲۰۲۱: ۱۹). الیوت^۳ (۱۹۶۰: ۹۳) سه معنی متفاوت برای فرهنگ ارائه داده است. او معتقد است که واژه فرهنگ با توجه به اینکه منظور ما توسعه و رشد فردی^۴ یک گروه^۵ یا طبقه^۶ اجتماعی یا کل یک جامعه باشد، معانی متفاوتی پیدا می‌کند. براساس نظریه او فرهنگ فردی وابسته به فرهنگ گروهی و فرهنگ گروهی وابسته به فرهنگ کل جامعه‌ای است که آن گروه یا طبقه اجتماعی به آن تعلق دارد. به این ترتیب، این فرهنگ کل جامعه است که بنیادی است و فرهنگ ابتدا در آن معنایی باید بررسی شود که به کل جامعه مربوط است. مطالعه رابطه بین زبان و فرهنگ به حدود قرن هجدهم باز می‌گردد. از برجسته‌ترین افرادی که بر رابطه بین زبان، تفکر و فرهنگ تأکید داشتند، می‌توان به ویلهلم فون هومبولت (۱۷۶۷-۱۸۳۵)، بواس^۷ (۱۸۵۸-۱۹۴۲)، ساپیر^۸ (۱۹۳۹-۱۸۸۴)، و وُرف^۹ (۱۹۴۱-۱۸۹۷) اشاره کرد. به تعریف ویگوتسکی^{۱۰} (۱۹۳۹) یک واژه و معنایش درحقیقت یک کلیت یا یک مفهوم است. تعمیم‌ها و مفاهیم خاص‌ترین کارکرد تفکر هستند. در تفکر، واقعیت به شیوه‌ای متفاوت با آنچه ادراک می‌شود، منعکس می‌گردد. بنیادی‌ترین ویژگی واژه‌ها این است که بازتاب کلی واقعیت هستند. تفکر و زبان کلید درک ماهیت فهم و آگاهی انسان است. بواس (۱۹۴۲) به اهمیت زبان به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده فرهنگ اشاره کرده است. در همه فرهنگ‌ها واژه‌ها رابطه بین انسان و محیط طبیعی‌اش را بازتاب

1. <https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english/culture>

2. Tylor, E. B.

3. Eliot, T. S.

4. Individual

5. Group

6. Class

7. Boas, F.

8. Sapir, E.

9. Whorf, B. L.

10. Vigotsky, L. S.

می‌دهند و گواهی از نوع زندگی انسان هستند، مانند اسکیموها و تعداد زیاد واژه‌هایی که برای انواع برف دارند در مقابل ساکنین ساحل شمال غربی آمریکا که واژه‌های زیادی برای اشاره به انواع قایق یا اصطلاحات مختلف مرتبط با دریا دارند. در ایران نیز در حوزه رابطه زبان و فرهنگ پژوهش‌هایی انجام شده است؛ از جمله می‌توان به مرادی و رحمانی (۱۳۹۵) اشاره کرد. آنها با مرور آرای زبان‌شناسان و فیلسوفان برجسته، به بررسی فرضیه نسبت زبانی و رابطه زبان و فرهنگ پرداخته و نتیجه‌گیری کرده‌اند که زبان بخشی از فرهنگ و فرهنگ بخشی از زبان است و رابطه این دو متقابل است. زبان از یک سو ابزار اصلی فرهنگ و شرط وجود فرهنگ است و از سوی دیگر محصول آن. زبان واسطه‌ای است که معانی فرهنگی را شکل می‌دهد.

کوزلواوا^۱ (۲۰۱۶) در شرح آرای هومبولت^۲ درباره زبان به این نکته اشاره کرده است که در دیدگاه هومبولت رشد زبان شباهت زیادی به هنر دارد، زیرا نه تنها ابزاری برای ارتباط است، بلکه محصول ذهن انسان است. جوهره زبان شکل‌دادن به تفکر بر مبنای دنیای مادی متشکل از اشیاء و پدیده‌هاست. زبان دنیایی است بین دنیای بیرونی و دنیای درونی انسان. واژه‌ها برخاسته از احساسات طبیعی گوینده هستند و از طریق احساسات طبیعی شنونده ادراک می‌شوند. کرامش^۳ (۲۰۱۴) از زبان به عنوان یک نشانه فرهنگی یاد کرده است و با ارجاع به پژوهش‌هایی در حوزه نسبت زبانی چون گامپرز^۴ و لوینسون^۵ (۱۹۹۶)، اسلایین^۶ (۱۹۹۶) و بورودیتسکی^۷ (۲۰۰۳) ادعای ورف مبنی بر اینکه انسان‌ها اسیر ساختارهای دستوری و واژگانی زبان‌شان هستند را رد می‌کند. او معتقد است که بیشتر پژوهش‌های این حوزه با رویکرد معتدل‌تر سایپر هم‌سو هستند که معتقد است زبان راهنمای دستیابی به واقعیت اجتماعی است. سایپر معتقد است هیچ دو زبانی آنقدر به هم شباهت ندارند که واقعیت اجتماعی یکسانی را بازتاب دهند. دنیایی که جوامع مختلف در آن زندگی می‌کنند، دنیاهای مجزایی هستند؛ نه یک دنیا که به شیوه‌های متفاوتی برچسب‌دهی شده است (سایپر، ۱۹۴۹: ۶۸-۶۹).

1. Kozlova, T.
2. Humboldt, W. V.
3. Kramsch, C.
4. Gumperz, J. J.
5. Levinson, S. C.
6. Slobin, D.
7. Boroditsky, L.

۲-۱ استعاره و فرهنگ

در موضوع استعاره و فرهنگ با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده دست‌کم دو حوزه اصلی مرتبط با یکدیگر شناسایی می‌شوند: استعاره مفهومی در زبان‌شناسی شناختی و بازنمایی فرهنگ در آن و دیگری استعاره فرهنگی. وجه اشتراک این دو دیدگاه تأکید بر اهمیت زبان در بازنمایی فرهنگ و تأثیر متقابل زبان و فرهنگ بر یکدیگر و تمرکز یکی بر زبان و دیگری بر فرهنگ است. در دسته اول پژوهش‌ها که غالب پژوهش‌های این حوزه در بر دارد، مفهوم‌سازی برخی مفاهیم با استفاده از مفاهیم شناخته‌شده‌تر در زبان‌های مختلف تحلیل می‌شود. برای نمونه، مفهوم زمان با استفاده از اصطلاحات ملموس‌تر مفهوم‌سازی می‌شود. به این ترتیب، مفهوم‌سازی‌های استعاری در جوامع زبانی مختلف در چارچوبی شناختی شناسایی و تحلیل می‌شوند و با مقایسه این استعاره‌ها در نهایت می‌توان به تعریف کووچش^۱ (۲۰۰۵، ۲۰۱۰) به استعاره‌های جهانی^۲ دست یافت. کووچش (۲۰۱۰) با ارجاع به لیکاف^۳ و جانسون^۴ (۱۹۸۰) بحث درباره استعاره جهانی را با اشاره به جهانی و همگانی بودن استفاده از استعاره توسط گویشوران بومی همه زبان‌ها در تعامل و صحبت درباره دنیا آغاز می‌کند و به این نکته می‌پردازد که این واژه‌ها و اصطلاحاتی که به صورت استعاری به کار گرفته می‌شوند، ممکن است در زبان‌های مختلف متفاوت باشند. برای مثال، در زبان فارسی در مورد زمان از عبارت «گذراندن زمان»، در انگلیسی «خرج کردن زمان» و در مجارستانی «پر کردن زمان» استفاده می‌شود. با وجود این تفاوت‌ها، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از استعاره‌های فرهنگی در بین تعداد قابل توجهی از زبان‌ها مشترک هستند. مثلاً هویت الورسون^۵ (۱۹۹۶) نشان داد که استعاره زمان فضا است (time is space)، در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلفی مانند انگلیسی، چینی ماندارین، هندی و ... دیده می‌شود.

این نوع پژوهش‌ها در ایران اقبال بسیاری داشته است که در ادامه به برخی از متأخرترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود. بررسی و تحلیل استعاره مفهومی نور در دفتر

1. Kövecses, Z.
2. Universal metaphor
3. Lakoff, G.
4. Johnson, M.
5. Alverson, H.

اول مثنوی براساس نظریهٔ لیکاف و جانسون (لاله زاری، حاتم‌پور و سرخی، ۱۴۰۳)؛ بررسی مقابله‌ای استعارهٔ مفهومی جهت‌ی در رمان‌های «شوهر آهو خانم» و «هرگز رهایم مکن» (تقی‌پور حاجبی، پشایی فخری، عادل زاده، ۱۴۰۲)، تحلیل‌شناختی استعارهٔ مفهومی و انواع آن در منتخبی از اشعار پروین اعتصامی طبق نظریهٔ فوکونیه و ترنر (قانونی، غلامحسینی، غنی‌پور، ۱۴۰۲)، نگاهی نو به استعاره‌های هستی‌شناسی در عصر صفوی با تکیه بر رسائل دهدار شیرازی و اصول‌المعارف فیض کاشانی (مراد مرادی، نیک‌بخت، واثق عباسی، ۱۴۰۲)، کاربرست ساختارهای استعارهٔ مفهومی «عشق» در نهج‌البلاغه بر مبنای نظریهٔ لیکاف و جانسون (کدخدایی و همکاران، ۱۴۰۲)، استعارهٔ مفهومی «کفر» و «ایمان» در قرآن کریم (ریکی کوتاه و صدیقی، ۱۴۰۲)، بررسی معانی اندام‌واژه‌ها در اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و باورهای عامیانه در زبان فارسی با رویکرد شناختی (کیایی، افراشی و عاصی، ۱۴۰۲)، استعاره‌های مفهومی و کارکردهای آن‌ها در گفتمان سیاسی دولت تدبیر و امید (غفوری صالح و کاظمی، ۱۴۰۰). همان‌طور که دیده می‌شود، در این دست از پژوهش‌ها تمرکز بر یک مفهوم و شیوه‌های مختلف مفهوم‌سازی آن در زبان فارسی است.

اما در حوزه استعارهٔ فرهنگی ایرانی خلاء قابل‌ملاحظه‌ای دیده می‌شود و صرفاً در برخی پژوهش‌های حوزهٔ استعارهٔ مفهومی نیم‌نگاهی به فرهنگ نیز شده است. به این ترتیب، برجسته‌ترین اثر در حوزهٔ استعارهٔ فرهنگی ایرانی با تمرکز بر زبان فارسی، کتاب زبان‌شناسی فرهنگی شریفیان^۱ (۲۰۱۷) است که در آن به شرح نظریه و روش در زبان‌شناسی فرهنگی پرداخته است، و به برخی از استعاره‌های مفهومی که جنبهٔ فرهنگی و تاریخی در زبان فارسی دارند، اشاره کرده است؛ از جمله به «دل» به‌عنوان یک واژهٔ فرهنگی پرداخته است که پایه‌ای مفهومی برای ساخت مفهوم‌سازی‌های متنوع در زبان فارسی است (شریفیان، ۱۳۹۸: ۴۳).

۳-۱ فرهنگ ایرانی و مدل هافستد

در موضوع شناسایی عناصر برجستهٔ فرهنگ ایرانی نیز پژوهش‌هایی انجام شده‌اند که به نتایج برخی از مرتبط‌ترین آنها به بحث حاضر در ادامه اشاره می‌شود. دانش‌پژوه (۱۳۸۱) به زبان فارسی و هنر ایرانی به‌عنوان برخی از عناصر فرهنگی معرفی شده در کتاب‌های تاریخ اشاره کرده است. رسولیان (۱۳۸۸) در مصاحبه‌ای که در کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

چاپ شده است، زبان فارسی، موسیقی ایرانی، هنر معماری ایرانیان، خطاطی، نقاشی، قالی‌بافی و تذهیب‌کاری را از مهم‌ترین عناصر فرهنگی ایرانیان که به جهان نیز صادر شده است، معرفی می‌کند. ضیا و زارع (۱۳۹۹) به تعریفی از اسلامی ندوشن (۱۳۷۱: ۲۶) از فرهنگ ایرانیان اشاره کرده‌اند که براساس آن فرهنگ ایرانی را فرهنگی تلفیقی در نظر می‌گیرد که به یک باور بسنده نکرده و هم عرفانی، هم تشرعی و هم کمی خیامی است؛ هم آدابی از پیش از اسلام در خود نگه داشته و هم مایل به تجدد است.

۴-۱ زبان‌شناسی فرهنگی

در این پژوهش از مفاهیم مطرح در دو رویکرد مقایسه‌ بین‌فرهنگی و زبان‌شناسی فرهنگی بهره گرفته شده است. گنون^۱ و پیلای^۲ در فصل اول کتاب درک فرهنگ جهانی (۲۰۱۰) ضمن تعریف فرهنگ به هنجارها، ارزش‌ها، باورها و شیوه‌هایی که اعضای یک فرهنگ با وجود تفاوت‌های فردی آن را می‌پذیرند و بر عهده می‌گیرند، روش نوآورانه‌ استعاره فرهنگی را برای درک ساده و سریع ذهنیت فرهنگی^۳ یک ملت و مقایسه آن با سایر ملل پیشنهاد داده‌اند. در این روش پدیده، فعالیت یا نهادی از فرهنگ یک ملت که از دید بیشتر اعضای آن جامعه اهمیت بسیاری دارد و به لحاظ شناختی و عاطفی با آن ارتباط برقرار می‌کنند، به‌عنوان استعاره فرهنگی شناسایی می‌شود. پس از شناسایی استعاره فرهنگی، ویژگی‌های آن استعاره مبنای توصیف و درک ویژگی‌های اصلی آن جامعه قرار می‌گیرند. مذهب، جامعه‌پذیری و ساختار خانواده، رفتار گروه‌های کوچک، رفتار عمومی، اوقات فراغت، سبک زندگی کلی: کار/اوقات فراغت/ خانه و زمان اختصاص داده‌شده به هر یک، فضای شنیداری^۴ و میزان واکنش منفی افراد یک جامعه به صدای بلند، نقش‌ها و جایگاه اعضای مختلف جامعه، تعطیلات و مراسم، آداب سلام و احوال‌پرسی، شوخی و طنز، زبان و ارتباط کلامی و نوشتاری، ارتباط غیرکلامی مانند زبان بدن، ورزش به‌عنوان بازتاب‌دهنده ارزش‌های فرهنگی، ساختار سیاسی یک جامعه، نظام آموزشی یک جامعه، سنت‌ها و درجه تأکید بر نظم مستقر از جمله عواملی هستند که به شناسایی استعاره فرهنگی کمک می‌کنند.

1. Gannon, M. J.
2. Pillai, R.
3. Cultural mind-set
4. Aural space

یکی از مهم‌ترین الگوهای مطالعه و مقایسه بین‌فرهنگی توسط روان‌شناس اجتماعی برجسته، هلندی گِیرت هافستد، مبتنی بر گستره وسیعی از داده‌ها (۱۱۶۰۰۰ پیمایش پرسشنامه‌ای) در فرهنگ‌های مختلف با مشارکت ۷۲ کشور است. هافستد (۱۹۹۱) ابتدا الگویی چهاربعدی از فرهنگ ملی را ارائه داد که بعدها به شش بعد گسترش پیدا کرد (هافستد، ۲۰۱۰). براساس مدل هافستد مطالعه فرهنگ ملت‌ها با توجه به این شش بعد ممکن خواهد بود:

فاصله قدرت^۱: نابرابری اجتماعی و رابطه با جایگاه قدرت؛

ابهام‌گریزی^۲: شیوه‌های برخورد با ابهام و عدم قطعیت و کنترل پرخاشگری و بیان احساسات؛

فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی^۳: رابطه بین فرد و گروه؛

مردانگی در مقابل زنانگی^۴: مفاهیم اجتماعی و عاطفی ضمنی پسر یا دختر بودن؛

نگرش بلندمدت در مقابل کوتاه‌مدت^۵: تمرکز تلاش‌های مردم بر گذشته، حال یا آینده؛

و درنهایت زیاده‌روی در مقابل خویشتن‌داری^۶: تسلط بر زندگی و اهمیت دادن به اوقات

فراغت و خوشبختی (مینکاو^۷ و هافستد، ۲۰۱۱).

اصطلاح زبان‌شناسی فرهنگی که در آثار افرادی مانند پالمر^۸ (۱۹۹۶) نیز به کار رفته است، به حوزه‌ای کلی اشاره دارد که به رابطه بین زبان و فرهنگ می‌پردازد. به باور پالمر «زبان بازی با نمادهای زبانی است که مبتنی بر تصویرسازی^۹ هستند. تصویرسازی آن چیزی است که در چشم ذهنمان می‌بینیم، که البته طعم انبه و احساس پیاده‌روی زیر باران گرمسیری و موسیقی میسی‌سی‌پی ماسالا را نیز شامل می‌شود. هنگام صحبت کردن تمامی تجارب حسی ما در تخیلمان هستند. به باور پالمر می‌توان از تصویرسازی

رتال جامع علوم انسانی

1. Power distance
2. Uncertainty avoidance
3. Individualism- collectivism
4. Masculinity versus femininity
5. Long-term versus short-term orientation
6. Indulgence versus restraint
7. Minkov, M.
8. Palmer, G. B.
9. Imagery

فرهنگی نیز سخن راند. پالمر زبان‌شناسی فرهنگی را حاصل تلفیق زبان‌شناسی شناختی^۱ با سه رویکرد سنتی زبان‌شناسی مردم‌شناختی یعنی زبان‌شناسی بوآسی^۲، معنی‌شناسی قومی^۳ و قوم‌نگاری زبان^۴ می‌داند (پالمر، ۱۹۹۶: ۳ و ۴). باوجوداین، به باور آندرهیل^۵ (۲۰۱۲) اصطلاح «زبان‌شناسی قومی» در اروپا برای ارجاع به این دست مطالعات رایج‌تر است. اما شریفیان (۱۳۹۸: ۳ و ۴) این اصطلاح را برای اشاره به رشته تازه‌تأسیسی در زبان‌شناسی به کار می‌برد که از پیوند چند رشته علمی متفاوت از جمله روان‌شناسی شناختی و مردم‌شناسی و... حاصل شده است. هدف پژوهش‌های این رشته آشکار کردن رابطه میان زبان و مفهوم‌سازی فرهنگی است.

به باور شریفیان (۱۳۹۸: ۴) هسته اصلی چارچوب نظری در زبان‌شناسی فرهنگی، شناخت فرهنگی است. شریفیان به آرای افرادی مانند کلارک^۶ و چالمرز^۷ (۱۹۹۸)، ساتن^۸ (۲۰۰۵، ۲۰۰۶) و آر. ای. ویلسون^۹ (۲۰۰۵) برای تعریف مفهوم شناخت فرهنگی ارجاع داده است. شناخت فرهنگی موضوعی میان‌رشته‌ای و فراتر از سطح ذهن فردی است. ویلسون (همان) به این نکته اشاره کرده است که هرچند اغلب حافظه در علوم شناختی و زیستی به‌عنوان ظرفیتی فردی مفهوم‌سازی می‌شود، در علوم اجتماعی پدیده‌ای جمعی^{۱۰} در نظر گرفته می‌شود. این حافظه جمعی نقش مهمی در شناخت فرهنگی دارد. شناخت فرهنگی نوعی شناخت پویا^{۱۱} است که در نتیجه تعامل‌های زبان‌شناختی و اجتماعی بین افراد در طول زمان و مکان حاصل می‌شود. شریفیان (۱۳۹۸: ۷) با ارجاع به وا تیانگو^{۱۲} (۱۹۸۶) به کارکرد زبان به‌عنوان جنبه اصلی شناخت فرهنگی و به‌مثابه «بانک حافظه جمعی» دربردارنده اطلاعات شناخت فرهنگی در یک جامعه زبانی اشاره می‌کند. مطالعه زبان به خودی خود در مقیاس کوچک باعث درک مفهوم‌سازی

1. Cognitive linguistics
2. Boasian linguistics
3. Ethnosemantics
4. Ethnography of speaking
5. Underhill, J. W.
6. Clark, A.
7. Chalmers, C.
8. Sutton, J.
9. Wilson, R. A.
10. Collective phenomenon
11. Enactive cognition

فرهنگی می‌شود و در مقیاس بزرگ‌تر نقش مهمی در آگاهی ما از شناخت فرهنگی مرتبط با زبان‌ها و گونه‌های زبانی ایفا می‌کند. البته، مفهوم‌سازی فرهنگی محدود به زبان نمی‌شود و هنر، ادبیات، لالایی، آداب معاشرت، زبان بدن و بسیاری جنبه‌های دیگر را نیز دربرمی‌گیرد. به همین دلیل زبان‌شناسی فرهنگی، حوزه‌ای میان‌رشته‌ای به‌شمار می‌آید. شریفیان (همان: ۹) طرحواره‌های فرهنگی، مقوله فرهنگی و استعاره فرهنگی را ابزارهای تحلیل در زبان‌شناسی فرهنگی معرفی کرده است.

بوتیلاین^۱ و سوتر^۲ (۲۰۲۱) معتقدند بعد از مقاله تأثیرگذار دی‌ماگیو^۳ (۱۹۹۷) با عنوان «فرهنگ و شناخت» توجه جامعه‌شناسان به‌طور فزاینده‌ای به تأثیر فرهنگ بر رفتار جلب شد. یکی از مفاهیم کلیدی مطرح‌شده، طرحواره فرهنگی است که به «ساختارهای دانش بازنمایی‌کننده سوژه‌ها^۴ و یا رویدادها^۵ اشاره دارد که پیش‌فرض‌هایی را نیز در بر می‌گیرد (دی‌ماگیو، ۱۹۹۷: ۲۶۹). چنین طرحواره‌های درونی‌شده‌ای می‌توانند به‌طور خودکار، سریع و ضمنی و به‌طور ناخودآگاه فراخوانده شوند. به تعریف هانزاکر^۶ و والتینو^۷ (۲۰۱۹) با شناسایی طرحواره‌های فرهنگی می‌توان تأثیر فرهنگ بر باورها و کنش‌های افراد را تبیین کرد. گنون (۲۰۰۴) استعاره فرهنگی را پدیده، نهاد، یا فعالیتی می‌داند که معرف شهروندان یک فرهنگ ملی به لحاظ شناختی و احساسی است و از طریق آن می‌توان توصیفی عمیق از فرهنگ آن جامعه به‌دست داد. برای شرح وجوه منحصربه‌فرد هر استعاره فرهنگی، طیف گسترده‌ای از متغیرها باید تحلیل شوند؛ از جمله مذهب، نظام‌های آموزشی، نگرش نسبت به زمان و فضا، و... به تعریف موزولف^۸ (۲۰۱۷) شناخت فرهنگی^۹ یک مفهوم میان‌رشته‌ای است که بین مردم‌شناسی، زبان‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی پیوند ایجاد می‌کند. هویت ملی نیز می‌تواند توسط استعاره مفهومی شکل گیرد. موزولف (همان) در پیمایش پرسشنامه‌ای که در ۱۰ کشور جهان به دانشجویانی با پیش‌زمینه ۳۱ زبان انجام داد، از

1. Wa Thiong'o, N.
2. Boutyline, A.
3. Soter, L. K.
4. DiMaggio, P.
5. Obejts
6. Events
7. Hunzaker, M. F.
8. Valentino, L
9. Musolff, A.

آنها خواسته بود تا استعاره ملت به عنوان یک بدن را در کشورشان بررسی کنند. نتایج نشان دهنده تفاوت نظام‌مندی است که به چهار تعبیر از این استعاره مربوط است: ملت به عنوان بخشی از جغرافیای بدن^۱، یک کل کاربردی^۲، بخشی از خود^۳، بخشی از ساختار جهانی^۴ و در تعبیری دیگر ملت به عنوان فرد^۵. موزولف (همان) «ملت به عنوان جغرافیای بدن» و «ملت به عنوان کل کارکردی» و «ملت به عنوان فرد» را بین همه گروه‌ها بررسی کرده و نتیجه گرفته است که الگوی بسامدی آنها در بین ملت‌های مختلف در مواردی عکس یکدیگر است. مفهوم شناخت فرهنگی به عنوان بخشی از زبان‌شناسی فرهنگی بر مفهوم‌سازی‌های برساخته فرهنگی^۶ که خاص جوامع زبانیست و در طرحواره‌ها، مقوله‌ها و استعاره‌های فرهنگی تظاهر می‌یابد، تمرکز دارد (شریفیان^۷، ۲۰۱۵: ۴۷۶-۴۷۸).

گون از مفهوم اتیک^۸ و امیک^۹ در علوم انسانی بهره گرفته است که ریشه در زبان‌شناسی و دو اصطلاح فونتیکی و فونمیک دارد. منظور از اتیک آن جنبه‌هایی از فرهنگ است که بین ملت‌های مختلف مشترک است و امیک به آن جنبه‌هایی از فرهنگ از جمله استعاره‌های فرهنگی اشاره دارد که به یک فرهنگ ملی خاص تعلق دارند. همه فرهنگ‌ها هر دو جنبه را در بر دارند. بنابراین، درحالی‌که بریتانیا و ایالات متحده اتیک‌های بین فرهنگی مشترک دارند، استعاره‌های فرهنگی خانه سنتی انگلیسی و فوتبال آمریکایی تفاوت‌ها و جنبه‌های امیک را برجسته می‌کنند (گون و همکاران، ۲۰۰۵). نیلسن^{۱۰} و گون (۲۰۰۵) به رقص شیوای هندی و باغ ژاپنی به عنوان نمونه‌هایی از استعاره فرهنگی اشاره کرده‌اند. باوجوداین، همان‌طور که لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) بیان کرده‌اند، استعاره وسیله تفکر و بیان واقعیت در انسان است. استعاره‌های فرهنگی به ما در گسترش و تعدیل درکی که رویکرد وجهی اتیک فراهم می‌آورد، کمک می‌کنند.

-
1. Cultural cognition
 2. Geobody
 3. Functional whole
 4. part of self
 5. part of global structure
 6. nation as person
 7. culturally constructed conceptualizations
 8. Sharifian, F.
 9. Etic
 10. Emic
 11. Nielsen, C. S.

روش پژوهش

همان‌طور که در مقدمه پژوهش شرح داده شد، در شناسایی عناصری از فرهنگ ایرانی که بتوانند به‌عنوان استعاره فرهنگی ایرانیان در نظر گرفته شوند، از هوش مصنوعی و به‌طور خاص سه برنامه چت جی‌چی‌تی، گوگل جمینای، و کلاود ۲ استفاده شده است. با توجه به اهمیت بعد زبان‌شناختی استعاره فرهنگی در این پژوهش، طراحی پرامپت‌ها به‌گونه‌ای انجام شده است تا علاوه بر به‌دست دادن فهرستی از عناصر فرهنگی که می‌توانند استعاره فرهنگی به‌شمار آیند، استعاره فرهنگی زبانی نیز ارائه شود. در هر سه برنامه از پرامپت‌های یکسان برای استخراج داده استفاده شده است. پرامپت‌ها به دو زبان فارسی و انگلیسی طراحی شده‌اند تا مقایسه‌ای نیز از این منظر بین برون‌داد هوش مصنوعی ممکن شود. پرامپت‌ها به‌صورت متوالی به برنامه ارائه شده است، به‌گونه‌ای که بعد از دریافت پاسخ هوش مصنوعی به یک پرامپت، پرامپت بعدی مطرح شده است. در جدول ۱ پرامپت‌های فارسی و انگلیسی به‌ترتیب ارائه‌شان به هوش مصنوعی قرار داده شده است. بعد از به‌دست دادن استعاره‌های فرهنگی، بررسی می‌شود که کدام جنبه فرهنگ ایرانی در این استعاره‌ها بازنمایی شده است.

جدول ۱- پرامپت‌های (دستورهای) طراحی شده برای هوش مصنوعی

Prompts in English	دستورهای فارسی
Do you know what cultural metaphor is?	می‌دانی استعاره فرهنگی به چه معنایی است؟
what can be considered a cultural metaphor for Iran?	چه چیزی می‌تواند استعاره فرهنگی ایرانیان باشد؟
I am searching for poems, quotes, proverbs, or texts that are representatives of Iranians and can be considered a cultural metaphor. What do you suggest?	چه نقل قول، شعر یا ضرب‌المثلی را به‌عنوان استعاره فرهنگی ایرانیان معرفی می‌کنی؟

if in a movie they want to represent an Iranian character implicitly, what can be the cultural metaphor	اگر در یک فیلم سینمایی بخواهند شخصیت ایرانی را به صورت ضمنی بازنمایی کنند، استعاره فرهنگی چه چیزی می‌تواند باشد؟
what is the most well-known linguistic feature, term, or poem in Persian in all around the world that can be considered a cultural metaphor	شناخته شده‌ترین ویژگی، یا اصطلاح، یا شعر فارسی در سطح جهانی که بتواند به عنوان استعاره فرهنگی معرفی شود، کدام است؟

یافته‌ها: استعاره فرهنگی ایرانی به تعریف هوش مصنوعی

در این بخش یافته‌های حاصل از ۳ مکالمه به زبان فارسی و ۳ مکالمه به زبان انگلیسی با سه برنامه هوش مصنوعی شرح داده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۱ دیده می‌شود، پرسش اول برای اطمینان از آگاهی هوش مصنوعی از تعریف استعاره فرهنگی طراحی شده بود. پرسش‌ها و پرامپت‌های بعدی نیز به ترتیب، و بعد از دریافت پاسخ پرسش پیشین به هوش مصنوعی ارائه شد. لازم به ذکر است که هوش مصنوعی در پاسخ به پرسش‌ها، تبیین نیز ارائه می‌داد؛ توضیحاتی که سرعت (کمتر از ۵ ثانیه)، دقت و رویکردشان شگفت‌آور بود. نکته دیگر قابل ملاحظه در شیوه پاسخ‌دهی این برنامه‌ها، عملکرد این هوش‌های مصنوعی براساس یادگیری تقویتی^۱ است؛ به گونه‌ای که ملاحظات اخلاقی را رعایت می‌کنند تا موجب جریحه‌دار شدن احساسات تعامل‌کنندگان با آنها به‌ویژه از منظر زبانی، قومی/نژادی و اعتقادی نشوند و به مرور زمان به پاداش جمعی حداکثری برسند. برای آنکه تصویر بهتری از شیوه تحلیل هوش مصنوعی به دست داده شود، در ادامه برای نمونه پاسخ‌های چت‌بات چت جی‌پی‌تی ۴، به پرامپت‌های زبان فارسی تا حد امکان به‌طور کامل ارائه می‌شود و هرگاه توضیحات تکراری شده‌اند، حذف شده و از سه نقطه استفاده شده است.

پرامپت اول: می‌دانی استعاره فرهنگی به چه معنایی است؟

استعاره فرهنگی یا *** «استعاره مفهومی» *** به بیان‌هایی اطلاق می‌شود که در زبان‌ها و فرهنگ‌های مختلف برای توصیف مفاهیم و تجربیات استفاده می‌شوند، اما معنای آن‌ها فراتر از معنای لغوی کلمات است. این استعاره‌ها معمولاً براساس تجربیات مشترک و باورهای فرهنگی شکل می‌گیرند و می‌توانند به درک عمیق‌تر مسائل فرهنگی، اجتماعی و فلسفی

1. Reinforcement learning

کمک کنند. برای مثال، در زبان فارسی عبارت «دل شیر داشتن» به معنای داشتن شجاعت است ...

پرامپت دوم: چه چیزی می‌تواند استعاره فرهنگی ایرانیان باشد؟

استعاره‌های فرهنگی در زبان فارسی که بازتاب‌دهنده تجربه‌ها و ارزش‌های فرهنگی ایرانیان هستند، بسیار متنوع و غنی‌اند. در اینجا چند نمونه از استعاره‌های فرهنگی ایرانی را بررسی می‌کنیم: «چشم و دل را در گرو کسی داشتن»: این استعاره به معنای دل‌باختگی و عشق شدید به کسی است. این عبارت نشان‌دهنده اهمیت است که در فرهنگ ایرانی به عشق و احساسات عاطفی داده می‌شود. «سرو قامت»: سرو به‌عنوان نمادی از قامت بلند و زیبا استفاده می‌شود ... «خاک بر سر»: این عبارت به معنای اظهار ناراحتی شدید یا افسوس است. در فرهنگ ایرانی، خاک به‌عنوان نمادی از زمین و نهایتاً مرگ و پایان استفاده می‌شود ... «کوه را به کوه نمی‌رسانند»: این استعاره به معنای تفاوت‌های بزرگ یا تغییرات دشوار است. استفاده از کوه به‌عنوان نماد چیزی بزرگ و پایدار، اهمیت مفاهیمی مانند ثابت بودن و استحکام در فرهنگ ایرانی را نشان می‌دهد.

پرامپت سوم: اگر بخواهی نقل قول، شعر یا ضرب‌المثلی را به‌عنوان

استعاره فرهنگی ایرانیان معرفی کنی، کدام را انتخاب می‌کنی؟

برای معرفی یک استعاره فرهنگی که بازتاب‌دهنده عمق و غنای فرهنگ ایرانی باشد، شعرهای حافظ، سعدی و مولانا بسیار مناسب هستند. اما اگر بخواهم یکی را انتخاب کنم... به سراغ ضرب‌المثل «از کوزه همان برون تراود که در اوست» می‌روم. این ضرب‌المثل به معنای این است که رفتار، گفتار و اعمال هر فرد، بازتاب‌دهنده شخصیت و درونیات اوست. این استعاره به‌طور کلی به اهمیت صداقت، شفافیت و اصالت در فرهنگ ایرانی اشاره دارد...
پرامپت چهارم: اگر در یک فیلم سینمایی بخواهند شخصیت ایرانی را به‌صورت ضمنی بازنمایی کنند، استعاره فرهنگی چه چیزی می‌تواند باشد؟
 ... یکی از استعاره‌های قوی و پرمعنا در فرهنگ ایرانی، «چای و مهمان‌نوازی» است. چای در فرهنگ ایرانی نماد مهمان‌نوازی، صمیمیت و روابط اجتماعی است. ... در فیلم‌ها، نمایش یک شخصیت ایرانی که با لبخند و احترام از مهمانان خود با چای پذیرایی می‌کند، می‌تواند به‌طور ضمنی ویژگی‌های مهمان‌نوازی، صمیمیت و احترام به دیگران را به تصویر بکشد. همچنین، «سفره ایرانی» به‌عنوان نماد دیگری از فرهنگ ایرانی می‌تواند بیانگر اهمیت خانواده، جمع‌گرایی و ارزش‌های مشترک در زندگی روزمره باشد. چیدمان و طراحی زیبا و دقیق

سفره نشان‌دهنده توجه به جزئیات، سخاوتمندی و محبت ایرانیان است...
و پرسش پنجم: شناخته‌شده‌ترین ویژگی، یا اصطلاح، یا شعر فارسی در
سطح جهانی که بتواند به‌عنوان استعاره فرهنگی معرفی شود کدام است؟
شناخته‌شده‌ترین ویژگی، اصطلاح، یا شعر فارسی که می‌تواند به‌عنوان استعاره فرهنگی
ایرانیان در جهان شناخته شود، «بیت آغازین گلستان سعدی» است که می‌گوید:

«بنی آدم اعضای یک‌پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار»

این شعر به‌عنوان یک استعاره فرهنگی، نمایانگر دیدگاه انسانی، همدلی و ارزش‌های
مشترک بشری در فرهنگ ایرانی است. این بیت‌های معروف سعدی بر اصل همبستگی و
اتحاد میان انسان‌ها تأکید دارند و به‌طور گسترده‌ای در سراسر جهان شناخته شده‌اند. در واقع،
این اشعار به‌عنوان نمادی از توجه به حقوق بشر، همدردی و همکاری اجتماعی در فرهنگ
ایرانی مورد تقدیر قرار گرفته‌اند...

همان‌طور که مشاهده می‌شود، چت جی‌پی‌تی ۴ فارسی، در پاسخ به پرسش
اول نتوانسته است بین استعاره فرهنگی و استعاره مفهومی تمایز قائل شود. این عدم
توانایی در تعریف دقیق این مفهوم در جمینای و کلاود ۲ فارسی نیز مشهود است. این
در حالی است که در نسخه انگلیسی این برنامه‌ها، تعریف دقیقی از استعاره فرهنگی
ارائه شده است. این موضوع اهمیت تولید محتوای روزآمد و علمی به زبان فارسی در
فضای مجازی را که کلان‌داده در دسترس هوش مصنوعی است، نشان می‌دهد. نگارنده
باتوجه به پاسخ پرسش اول تلاش کرد که در پرسش‌های بعدی هوش مصنوعی را به
مفهوم اصلی استعاره فرهنگی نزدیک کند. در نهایت آنچه برای تحلیل این پژوهش
حائز اهمیت است، پاسخ هوش مصنوعی به پرسش‌های دوم تا پنجم است که در
جدول ۲ خلاصه شده‌اند. («/») مرز بین پاسخ سه برنامه هوش مصنوعی را نشان
می‌دهد)

جدول ۲- گزارش مکالمه با سه چت بات مبتنی بر هوش مصنوعی
به زبان فارسی و انگلیسی (پرسش‌های ۲ تا ۵)

هوش مصنوعی انگلیسی	پرامپت‌ها	
<p>Persian Carpet, Persian Garden, Do not lose hope; the clouds will soon clear, Every rose has its thorn, / Cuisine</p> <p>The Persian Garden, The Nightingale (or Bulbul), The Bazaar, The /Phoenix</p> <p>The Importance of Poetry and Storytelling</p> <p>Harmony and Cultivation</p> <p>Hospitality and Social Exchange</p> <p>Resilience and Overcoming /Challenges</p>	<p>چشم و دل را در گرو کسی داشتن، سرو قامت، خاک بر سر، کوه را به کوه نمی‌رسانند /</p> <p>طبیعت: آب، آتش، خاک؛ اسطوره و تاریخ: سیمرغ، فرش، کوروش کبیر، نوروز، چهارشنبه‌سوری، یلدا</p> <p>مفاهیم فلسفی: عشق، معرفت، زیبایی /</p> <p>نمک‌گیر شدن، آب در هاون کوبیدن، دست راست کسی بودن، چشم و چراغ خانه، گل بی خار نمی‌شود، دنیا دو روز است، پشت کوه قاف</p>	۲- استعاره فرهنگی ایرانی
<p>Hafez, Rumi, Omar Khayyam, The Conference of the Birds” by Attar of Nishapur, The Shahnameh</p> <p>Neither East Nor West”, The Conference of the Birds, Ferdowsi’s /Shahnameh</p> <p>Poetry by Rumi: You are not a drop in the ocean. You are the entire ocean in a drop(Sufi concept of unity with the divine), Sa’di’s Poetry: Bani Adam</p>	<p>از کوزه همان برون تراود که در اوست، آنچه از جان جهان می‌خواهی آن به جان می‌رسد، بشنو از نی چون حکایت می‌کند /</p> <p>آب در هاون کوبیدن /</p> <p>بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند</p>	۲- نقل قول...

<p>Persian Carpet, Poetry Book by Hafez or Rumi, Hospitality Gestures, Samovar, Persian Cuisine, Miniature Paintings or Calligraphy, Reference to Historical Sites, Use of /Persian Language</p> <p>Visual Metaphors: The Persian Garden, Poetry or Calligraphy, Traditional Clothing</p> <p>Auditory Metaphors: Persian Music, The Farsi Language</p> <p>Symbolic Metaphors: The Night /Sky, The Phoenix, Action</p> <p>Behavior Metaphors: Importance of Hospitality</p> <p>/Value of Education</p> <p>Persian carpet, Tea culture, Poetry books, Miniature painting, Pomegranate, Norooz symbols, Taarof, Music, Calligraphy, Garden</p>	<p>چای و مهمان‌نوازی، سفره ایرانی /</p> <p>چای: چای در فرهنگ ایرانی بسیار فراتر از یک نوشیدنی است. باغ: نمادی از بهشت، زیبایی، دانش و عشق؛ فرش: اثر هنری و نمادی از تاریخ، فرهنگ و هویت ملی</p> <p>استعاره‌های مرتبط با تاریخ و فرهنگ: شعر و موسیقی، آشپزی، جشن‌ها</p> <p>استعاره‌های مرتبط با شخصیت‌ها: مهمان‌نوازی، خانواده، حافظ و مولانا /</p> <p>فرش ایرانی نماد پیچیدگی و عمق، تاریخ و سنت، صبر و استقامت، هنر و زیبایی‌شناسی</p> <p>تنوع در وحدت</p>	<p>۴- بازتابی شخصیت ایرانی در فیلم</p>
---	---	--

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

<p>Bani Adam (The Children of Adam)</p> <p>بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند ... /</p> <p>The term "Farsi poetry" itself, The Conference of the Birds" by Attar of Nishapur, The metaphor of the Persian Garden, Neither East Nor West, Nightingale, The Phoenix, Persian Garden, this too shall pass / است، مهمان حبیب خداست /</p> <p>the word paradise, پردیس</p> <p>Khayyam's quatrain:</p> <p>Gar dašt dahad ze maghz-e gandom nani</p> <p>Vaz may do mani ze gusfandi rani</p> <p>Ba laleh rokhi agar neshini damaki</p> <p>Khosh bashad agar nabashad az soltani</p>	<p>بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند</p> <p>چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار</p> <p>بیانگر نمایانگر دیدگاه انسانی، همدلی و ارزش‌های مشترک بشری در فرهنگ ایرانی /</p> <p>حافظ و اشعار او، مولانا و مثنوی معنوی، فرش ایرانی، مهمان‌نوازی ایرانی، نوروز /</p> <p>اشعار عمر خیام و به‌طور خاص رباعیات او:</p> <p>این کوزه چو من عاشق زاری بوده است</p> <p>در بند سر زلف نگاری بوده است</p> <p>این دسته که بر گردن او می بینی</p> <p>دستی است که بر گردن یاری بوده است</p>	<p>5- شناخته‌شده‌ترین ویژگی، شعر...</p>
--	--	---

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در جدول ۲ دیده می‌شود، چند عنصر فرهنگی مهم در ایران مرتبط با مفاهیم فلسفی و عرفانی، طبیعت، مکان، زبان فارسی و آثار ادبی، شعر، شاعر، هنر، آداب و رسوم، تاریخ و موجودیت نمادین توسط این سه چتبات به‌عنوان استعاره فرهنگی ایرانیان شناسایی شده‌اند که به‌طور خلاصه به این شرح‌اند:

- مفاهیم فلسفی و عرفانی: عشق، صو و زیبایی؛

- طبیعت: باغ ایرانی، آسمان شب (تماشای ستاره‌ها)؛
- مکان: بازار؛
- زبان فارسی: واژه پردیس، شاهنامه فردوسی، منطق الطیر عطار، و شعر بنی‌آدم سعدی شیرازی؛
- شعر: سعدی، حافظ، مولانا، خیام، عطار؛
- هنر: فرش، مینیاتور، خط، موسیقی، آشپزی؛
- آداب و رسوم: نوروز، مهمان‌نوازی، تعارف، چای، غرور ملی، پوشش (روسری)، چهارشنبه‌سوری، یلدا، تأکید بر دانش‌اندوزی؛
- تاریخ: کوروش کبیر، میراث فرهنگی غنی؛
- موجودیت نمادین: بلبل، سیمرغ، انار، آب (پاکی)، آتش (پاکی و قدرت)، خاک (پایداری، اصالت)، سماور.

از مجموع ۶ مکالمه انجام‌شده، پرتکرارترین عناصر فرهنگی به این شرح‌اند: فرش ایرانی، مهمان‌نوازی و تعارف و درنهایت پربسامدترین استعاره شناسایی‌شده‌ای که جنبهٔ زبانی دارد، شعر بنی‌آدم سعدی است. در ادامه برجسته‌ترین ویژگی فرهنگی بازنمایی‌شده در استعاره‌های فرهنگی پربسامد غیرزبانی براساس مدل هافستد تحلیل می‌شود. همان‌طور که پیشتر شرح داده شد، هافستد (۲۰۱۰) شش معیار را برای توصیف و مقایسهٔ بینا فرهنگی معرفی کرده است: فاصلهٔ قدرت، ابهام‌گریزی، فردگرایی در مقابل جمع‌گرایی، مردانگی در مقابل زنانگی، نگرش بلندمدت در مقابل کوتاه‌مدت و زیاده‌روی در برابر خویشتن‌داری.

نگاهی به نمونه‌های دیرینه و شاخص طرح فرش ایرانی می‌تواند به‌طور ضمنی نمایانگر پذیرش جایگاه قدرت مرکزی در فرهنگ ایرانی باشد. طرحی اصلی در قطعی بزرگ و با کمی فاصله از سایر نقوش در مرکز فرش خودنمایی می‌کند و سایر نقوش درحالی‌که به نقش اصلی مرکزی مرتبط هستند، در اندازه‌ای کوچک‌تر در حاشیه جای دارند. درعین‌حال، هماهنگی‌ای که بین این نقوش دیده می‌شود، تداعی‌کنندهٔ فرهنگ جمع‌گرایی در بین ایرانیان است. طبیعت و ازجمله باغ ایرانی و نمادهایی چون سیمرغ و بلبل که به‌عنوان استعاره‌های فرهنگی توسط هوش مصنوعی شناسایی شده‌اند نیز در نقوش فرش ایرانی دیده می‌شوند. ازمنظر زنانگی یا مردانگی، با اینکه زنان بافندگان اصلی فرش ایرانی بوده و هستند، می‌توان ادعا کرد که فرش ایرانی بیشتر

بازنمایی‌کنندهٔ مردانگی است که به‌ویژه در نقوش مربوط به شکارگاه برجسته است. به‌این ترتیب، پذیرش فاصلهٔ قدرت، جمع‌گرایی و مردانگی سه ویژگی فرهنگی ایرانیان است که در نقوش فرش ایرانی برجسته شده‌اند. مهمان‌نوازی و تعارف دیگر استعارهٔ فرهنگی پربسامد در این پژوهش است. تعارف به تعریف یاقعی (۱۳۹۸) در تارنمای مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی «از شاخصه‌های فرهنگ مردم ایران و مجموعهٔ آدابی است که هر فردی در رابطه‌اش با دیگران و برای نشان‌دادن فزونی محبت، دوستی و ادب به‌طور مستمر انجام می‌دهد.» برجسته‌ترین ویژگی در آداب و رسوم مهمانداری و تعارف، تلاش افراد برای جمع‌گرایی و کاستن از فاصله با جایگاه قدرت است. تعارف ریشه در نگرش آینده‌نگر نیز دارد که برخاسته از نوعی ترس و پنهان‌کاری ریشه‌دار در بین ایرانیان است که خود متأثر از فاصلهٔ زیاد بین جایگاه قدرت و مردم در تاریخ ایران است. و اما برجسته‌ترین و پرتکرارترین استعارهٔ فرهنگی شناسایی‌شده در این پژوهش شعر بنی آدم از سعدی است:

«به بازوانِ توانا و قوتِ سرِ دستِ خطاست
کاستن از فاصلهٔ قدرت و جمع‌گرایی
«نترسد آن که بر افتادگانِ نبخشاید؟
جمع‌گرایی و آینده‌نگری
«هر آن که تخمِ بدی کشت و چشمِ نیکی داشت
آینده‌نگری
«ز گوشِ پنبه برون آر و دادِ خلق ده
جمع‌گرایی، آینده‌نگری
«بنی آدم اعضای یکدیگرند
کاستن از فاصلهٔ قدرت و جمع‌گرایی
«چو عضوی به درد آورد روزگار
کاستن از فاصلهٔ قدرت، جمع‌گرایی، آینده‌نگری
«تو کز محنتِ دیگران بی‌غمی
جمع‌گرایی
به‌این ترتیب، برمبنای استعاره‌های فرهنگی به‌دست داده‌شده توسط هوش مصنوعی،

پنجهٔ مسکینِ ناتوان بشکست»:

که گر ز پای در آید کسش نگیرد دست؟»:

دماغِ بیهده پخت و خیالِ باطل بست»:

وگر تو می‌ندهی داد، روزِ دادی هست!»:

که در آفرینش ز یک گوهرند»:

دگر عضوها را نماند قرار»:

نشاید که نامت نهند آدمی»:

پذیرش سلسله‌مراتب قدرت، جمع‌گرایی و آینده‌نگری از ویژگی‌های اصلی فرهنگی ایرانی است. برجسته بودن جمع‌گرایی و فاصله قدرت در فرهنگ ایرانی، در پژوهش راجی (۱۳۷۹) نیز گزارش شده است. لازم به یادآوری است که سه برنامه چت‌جی‌پی‌تی ۴، گوگل جیمیل و کلاود ۲ در این پژوهش بررسی شده‌اند. از آنجایی که هوش مصنوعی در مقام یکی از ابزارهای اصلی اطلاع‌رسانی و تحلیل در دنیای امروز، غالباً از کلان‌داده موجود در رایاسپهر بهره می‌جوید، تولید محتوای دیجیتالی که به درستی فرهنگ ایرانی را بازنمایی کند و انجام پژوهش در این حوزه از اهمیت بسیاری برخوردار است. در هر دو حوزه اصلی این پژوهش یعنی استعاره فرهنگی ایرانی و تحلیل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، در ایران خلاء پژوهشی قابل‌ملاحظه‌ای دیده می‌شود و لازم است که پژوهشگران علوم انسانی ایرانی نیز به جمع تحلیل‌گران هوش مصنوعی بپیوندند. در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از مفاهیم استعاره فرهنگی و مدل شش‌بعدی هافستد در مطالعه فرهنگ، بازنمایی هوش مصنوعی فارسی و انگلیسی از برجسته‌ترین ویژگی‌های فرهنگی ایرانیان تحلیل شود.

منابع

- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۱). فرهنگ و شبه فرهنگ. تهران: نشر یزدان
- تقی‌پوری حاجبی، ساناز؛ پاشایی فخری، کامران؛ عادل‌زاده، پروانه (۱۴۰۲). بررسی مقابله‌ای استعاره مفهومی جهتی در رمان‌های «شوهر آهو خانم» افغانی و «هرگز رهایم مکن»، ایشی گورو. متن پژوهی ادبی، ۲۷ (۹۸)، ۱۸۳-۲۰۴.
- دانش‌پژوه، منوچهر (۱۳۸۱). فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در فرهنگ جهان. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۵۲ (۱۶۴)، ۶۷-۷۸.
- راجی، سامان (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی فرهنگ ملی کشورهای مختلف دنیا از منظر مدل فرهنگی شش‌بعدی هافستد. همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران. <https://sid.ir/paper/۸۹۸۸۰۹/fa>
- رسولیان، قهار (۱۳۸۸). ویژگی‌های تمدن و فرهنگ ایرانی (مصاحبه). کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۳۲، ۲۳.
- ریکی کوتاه، عطاءاله؛ صدیقی، بهار (۱۴۰۲). استعاره مفهوم «کفر» و «ایمان» در قرآن کریم. زبان و ادبیات عربی، ۱۵ (۲)، ۲۳-۴۰.

شریفیان، فرزاد (۱۳۹۸). زبان‌شناسی فرهنگی، مفهوم‌سازی فرهنگی و زبان، ترجمه طاهره احمدی‌پور، پریا رزم‌دیده، حامد مولایی، رفسنجان: دانشگاه ولی عصر رفسنجان.
ضیا، محمدرضا؛ زارع، سحر (۱۳۹۹). مروری بر چند تعریف از فرهنگ. رهیافت فرهنگ دینی، ۳ (۱۱ و ۱۲)، ۶۹-۶۰.

غفوری صالح، گلناز؛ کاظمی، فروغ (۱۴۰۰). استعاره‌های مفهومی و کارکردهای آن‌ها در گفتمان سیاسی دولت تدبیر و امید. علم زبان، ۸ (۱۳)، ۳۳۳-۳۰۵.

قانونی، حمیدرضا؛ غلامحسینی، پروین؛ پروین؛ غنی پور ملک شاه، احمد (۱۴۰۲). تحلیل‌شناختی استعاره مفهومی و انواع آن در منتخبی از اشعار پروین اعتصامی طبق نظریه فوکونیه و ترنر. پژوهش‌نامه‌ی مکتب‌های ادبی، ۷ (۲۳)، ۱۴-۱۱۹.

کدخدایی، مرضیه سادات؛ نجفی ایوکی، علی؛ رسول نیا، امیر حسین؛ مدنی، امیرحسین (۱۴۰۲). کاربست ساختارهای استعاره‌ی مفهوم عشق در نهج‌البلاغه بر مبنای نظریه لیکاف و جانسون. زبان‌کاوی کاربردی، ۶ (۳)، ۸۳-۵۳.

کیایی، سیما؛ افراشی، آریتا، عاصی، مصطفی (۱۴۰۲). بررسی معانی اندام‌واژه‌ها در اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و باورهای عامیانه در زبان فارسی با رویکرد شناختی. سبک‌شناسی نظم و نظر فارسی، ۱۶ (۸)، ۲۱۹-۱۹۹.

لاله‌زاری، محمدزمان؛ حاتم‌پور، شبنم؛ سرخی، فرزانه (۱۴۰۳). بررسی و و تحلیل استعاره مفهومی نور در دفتر اول مثنوی براساس نظریه جورج لیکاف و مارک جانسون. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۱۷ (۳)، ۲۴۸-۲۲۵.

مراد مرادی، بایرام؛ نیک بخت، عباس؛ واثق عباسی، عبدالله (۱۴۰۲). نگاهی نو به استعاره‌های هستی‌شناسی در عصر صفوی با تکیه بر رسائل دهم‌دار شیرازی و اصول‌المعارف فیض کاشانی. پژوهش‌نامه زبان ادبی، ۱ (۴)، ۶۱-۲۹.

مرادی، مریم؛ رحمانی، مرضیه (۱۳۹۵). بررسی رابطه متقابل زبان و فرهنگ با استفاده از فرضیه نسبیت زبان‌شناختی. نقد زبان و ادبیات خارجی، ۱۲ (۱۶)، ۲۵۸-۲۳۷.
یاحقی، محمدجعفر (۱۳۹۸). تعارف. تارنمای مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

<https://www.cgie.org.ir/fa/article/۲۳۹۶۵۶/>

یعقوبی، حسین؛ گودرزی، مهناز؛ صادقی، مهرداد (۱۴۰۱). تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار فرهنگ ملی ایران بر قدرت منطقه‌ای ایران در غرب آسیا با رویکرد کیفی. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۵ (۹۶)، ۱۲۴-۸۵.

- Alverson, H. (1996). Cross-Language Universals in the Experience of Time: Collocational Evidence in English, Mandarin, Hindi, and Sesotho. *The Study of Time*, 8, 105.
- Boas, F. (1942). Language and culture. In *Studies in the history of culture: The disciplines of the humanities* (pp. 178-184). Banta.
- Boroditsky, L. (2003). Linguistic relativity. In *Encyclopedia of Cognitive Science*, L. Nadel (ed.), 917-992. London: Macmillan.
- Boutyline, A., & Soter, L. K. (2021). Cultural schemas: What they are, how to find them, and what to do once you've caught one. *American Sociological Review*, 86(4), 728-758.
- Clark, A. & Chalmers, C. (1998). The extended mind. *Analysis*, 58(1), 7-19.
- Derakhshan, A., Doliński, D., Zhaleh, K., Enayat, M. J., & Fathi, J. (2022). A mixed-methods cross-cultural study of teacher care and teacher-student rapport in Iranian and Polish University students' engagement in pursuing academic goals in an L2 context. *System*, 106, 102790.
- DiMaggio, P. (1997). Culture and cognition. *Annual review of sociology*, 23(1), 263-287.
- Eliot, T. S. (1960). *Christianity and culture: The idea of a Christian society and notes towards the definition of culture*. Houghton Mifflin Harcourt.
- Gannon, M. J. (2004). *Understanding Global Cultures: Metaphorical Journeys Through 28 Nations, Clusters of Nations, and Continents*, 3d ed. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Gannon, M. J., & Pillai, R. (2010). *Understanding global cultures: Metaphorical journeys through 29 nations, clusters of nations, continents, and diversity*. Sage.
- Gannon, M. J., Locke, E. A., Gupta, A., Audia, P., & Kristof-Brown, A. L. (2005). Cultural metaphors as frames of reference for nations: A six-country study. *International Studies of Management & Organization*, 35(4), 37-47.
- Gumperz, J. J., & Levinson, S. C. (Eds.). (1996). *Rethinking linguistic relativity* (No. 17). Cambridge University Press.
- Hofstede, G. (1991), *Cultures and Organizations: Software of the Mind*, McGraw-Hill, New York, NY.

- Hofstede, G. (2001). *Culture's consequences: Comparing values, behaviors, institutions, and organizations across nations*. Sage Publications.
- Hofstede, G., Hofstede, G.J. and Minkov, M. (2010), *Cultures and Organizations: Software of the Mind*, 3rd ed., McGraw-Hill, New York, NY.
- Hunzaker, M. F., & Valentino, L. (2019). Mapping cultural schemas: From theory to method. *American Sociological Review*, 84(5), 950-981.
- Kövecses, Z. (2005). *Metaphor in culture: Universality and variation*. Cambridge university press.
- Kövecses, Z. (2010). Metaphor and culture. *Acta Universitatis Sapientiae, Philologica*, 2(2), 197-220.
- Kozlova, T. (2016). The Theory of Linguistic Worldview by Wilhelm Von Humboldt and Its Connection with the Culture of Sign Language. In Proceedings of the 2016 International Conference on Arts, Design and Contemporary Education (pp. 177-180).
- Kramsch, C. (2014). Language and culture. *AILA review*, 27(1), 30-55.
- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago. IL: University of Chicago Press.
- Minkov, M., & Hofstede, G. (2011). The evolution of Hofstede's doctrine. *Cross cultural management: An international journal*, 18(1), 10-20.
- Moradi, E. (2024). Examining Hofstede's Cultural Dimensions in Iranian and Chinese Context: A Mixed Methods Approach. *Innovare Journal of Education*, 12(2), 6-14.
- Musolff, A. (2017). Metaphor and cultural cognition. In Sharifian, F. (Ed.) *Advances in cultural linguistics*, 325-344.
- Nielsen, C. S., & Gannon, M. J. (2005). Preface: Cultural Metaphors, Paradoxes, Cross-Cultural Dimensions. *International Studies of Management & Organization*, 35(4), 4-7.
- Palmer, G. B. (1996). *Toward a theory of cultural linguistics*. University of texas Press.
- Saboori, F., Pishghadam, R., Hosseini Fatemi, A., & Ghonsooley, B. (2015). Culture and identity: Linking Iranian identity components and cultural dimensions. *Issues in*

Language Teaching, 4(1), 78-49.

Sapir, E. (1949). *Selected Writings in Language, Culture and Personality*, D. Mandelbaum (ed.). Berkeley CA: University of California Press.

Sharifian, F. (2017). Cultural linguistics: The state of the art. *Advances in cultural linguistics*, 1-28.

Sharifian, F. (2017). *Cultural Linguistics: Cultural conceptualisations and language* (Vol. 8). John Benjamins Publishing Company.

Slobin, D. (1996). From 'thought and language' to 'thinking for speaking'. In *Rethinking Linguistic Relativity*, J.J. Gumperz & S. Levinson (eds), 70-97. Cambridge: CUP

Sutton, J. (2005). Memory and the extended mind: embodiment, cognition, and culture. *Cognitive Processing*, 6(4), 223-226.

Sutton, J. (2006). Introduction: memory, embodied cognition, and the extended mind. *Philosophical Psychology*, 19(3), 281-289.

Taylor, E. B. (2021). The science of culture [1873]. in Erickson, P. A., & Murphy, L. D. (Eds.) *Readings for a history of anthropological theory*, 19-31.

Underhill, J. W. (2012). *Ethnolinguistics and cultural concepts: Truth, love, hate and war*. Cambridge University Press.

Vygotsky, L. S. (1939). Thought and speech. *Psychiatry*, 2(1), 29-54.

Wa Thiong'o, N. (1986). *Decolonising the Mind: The Politics of Language in African Literature*. London: Heinemann.

Wilson, R. A. (2005). Collective memory, group minds, and the extended mind thesis. *Cognitive processing*, 6(4), 227-236.

<https://www.techtarget.com/searchenterpriseai/definition/generative-AI>

<https://news.theculturefactor.com/news/ai-meets-culture>